



روزنامه «وطن امروز» ۲۱ اردیبهشت سال ۹۳ از صاحب این قلم مطلبی با عنوان «جان کری از کدام تصمیم بسیار دشوار ایران سخن گفت؟» منتشر کرد. آن روز گفتیم تصمیم دشوار مدنظر آمریکا که در مصاحبه «جان کری» بدان اشاره شده، با هدف مهار قدرت ایران در مسیر رسیدن به «جایگاه هژمونی منطقه‌ای» است. گفتیم آمریکایی‌ها عناصر سه‌گانه‌ای را در ایران هدف گرفته‌اند که در اصطلاح علمی توان تخریب و ایذا «Heart And Destroy» خوانده می‌شوند و ایران باید درباره آنها «تصمیمات دشوار» بگیرد. در مقاله اردیبهشت‌ماه ۹۳ اشاره کردیم که این عنصر قدرت، حوله مسالّه توان حزبالله در لبنان می‌چرخد و قطعاً استکبار در مرحله‌ای که پس از کشیدن دندان‌های هسته‌ای ایران باشد مذاکرات را منوط به حذف قدرت‌های ابتدایی کشورمان خواهد کرد. امروز می‌بینیم این پیش‌بینی حتی فراتر از حد انتظار به‌وقوع پیوسته است. مقاله مذکور را پس از انتشار محضر پروفیسور «هفتالی فیروزآبادی»-تحلیلگرارشد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران- عرضه داشتیم. استاد در کمال سماحت نگاشته‌های این کمترین را مطالعه کرده و هفته بعد در کلاس سیاست خارجی ایران گفتند غیرممکن است مذاکره کنندگان

ماجرا	<div> حسن روانشید: «می‌گفت سال ۱۳۳۳ عزام زیارت خانه خدا شدیم»</div>
-------	---

آن زمان تازه ازدواج کرده بودم و همسرم از من خواسته بود تا جوانیم و توان جسمی و وسیع مالی دارم به یکی از بندهای فروغ دین خود یعنی حج، تمکین کنیم تا از همین لحظه آغازین زندگی به اصول و فروع آن به‌طور کامل پایبند باشیم. آن روزها این همه تسهیلات و امکانات نبود، رفتن و برگشتن از خانه خدا حداقل ۳ ماه طول می‌کشید. گروهی با اتوبوس‌های دماغ‌دار عازم می‌شدند و عده‌ای از طریق کشتی و دریا که در بنادر باید آنقدر می‌ماندند تا انگلیسی‌های مستقر به آنها اجازه عبور بدهند. مرکب ما برای رفتن، اتوبوس بود. رفتیم و مناسک حج را با آن سختی و مشکلات خودش به انجام رساندیم چون هر دو جوان بودیم. کاروان ما ۵۰ نفر را شامل می‌شد که همگی زن و شوهر بودند و من و همسرم جوان‌ترین آنها بودیم. بنابراین باید به دیگران هم در امور جاری‌شان کمک می‌کردیم. پس از پایان اعمال و وداع با مدینه منوره و مکه معظمه، گروه حجاج ایرانی که صد‌دستگاه اتوبوس دماغ‌دار بود، آماده حرکت به‌سوی عراق شد تا به زیارت عتبات عالیات نائل شود. آن روزها کشورهای عربی به‌جز شهرهایش به‌صورت مهم‌های پایان‌ناپذیر و ششبه به هم بود، بنابراین عبور از بیابان‌های عربستان به‌سوی کشور عراق کار هرکسی نبود. ۲ دستگاه جیب‌ از نظامیان عرب یکی در اول کاروان و دیگری در آخر آن حرکت می‌کرد و این صد دستگاه اتوبوس موظف بودند درست و دقیق پشت سر هم حرکت کنند تا خدای ناخواسته در میان وادیه‌ها و شن‌های روان گم نشوند. ما جزو آخرین اتوبوس‌های کاروان بودیم و راننده‌های عجول و بی‌حوصله‌نصیبمان شده بود. فاصله تا عراق زیاد بود و اتوبوس‌ها ناچار بودند در خط مشخص و پشت سر هم حرکت کرده تا یک‌دیگر را گم نکنند. پنجره‌ها باید بسته می‌ماند تا شن‌های روان داخل نشود. همه گریان و نالان بودند که پس از یک ماه تمام، این سرزمین مقدس را ترک می‌کردند. در میان اشک و ناله، بساط دعا و استغاثه‌نیز برپا بود. بعد از ۳–۲ ساعت پیش رفتن، ناگهان حوصله راننده عجول سر رفت و غرغرکنان از خط خارج شده، در شن‌های حاشیه جاده پارک شروع به حرکت کرد تا از دیگر اتوبوس‌ها سبقت بگیرد. وقتی با اعتراض مدیر و روحانی کاروان روبه‌رو شد، گفت: آنقدر شن به خوردم داندن که دارم خفه می‌شوم، می‌خواهم خودم را به نخستین اتوبوس که می‌خواهد به سمت راست بپیچد برسانم و پشت سر جیب‌ رانها حرکت کنم. ما که از همه جا بی‌خبر بودیم دوباره مشغول ذکر گفتن

برون‌مرزی و قدرت تخریبی ایران (با تعریف علمی مکاتب روابط بین‌الملل) از دست برود، باید دانست آمریکایی‌ها برای همیشه از مفهومی به نام قدرت جمهوری اسلامی آسوده می‌شوند و البته برنام‌ه‌های اتنی نظام برای هرگونه نیل به قدرت منطقه‌ای از حیز ارتفاع ساقط خواهد شد». بیش از یک سال می‌گذرد که هیچ مطلبی از این کمترین در «وطن امروز» منتشر نمی‌شود. از آن روی که «الخیر فی ما وقع»، فلذا گذشت زمان صحت پیش‌بینی‌های مبتنی بر مطالعات علمی را اثبات می‌کند. علمی که نشان از جریان نظم پولادین در سنن الهیه دارند. سستی که در جوار بلندی «وُ السّماةُ رُقعها». عمق «ضَعُ المیزان» را نیز در کالبد خویش دارد. همان‌طوری که تابستان ۹۳ پیش‌بینی کردیم ۳ عنصر «توان موشکی- سپاه قدس - حزبالله لبنان» در پس مذاکرات هسته‌ای طعمه استیلاجویی غرب خواهند شد. امروز در تابستان ۹۵ شاهدیم از هزار مأنه صدای اوایلا در اجرای FATF. برباست و اکنون آنچه البته به جایی نرسد، فریاد است! اکنون فریاد مطبوعات بر سر هاشمی یا قوه مجریه، مصداق همان جیب‌های بنفشی است که خودشان مدام درباره دیگران به‌کار می‌برند. امروز این چاقوکشیدن‌ها در کوچه بن‌بست رنگی ندارد، چون دیگر کار از کار گذشته و رقبستجانی از واقع‌های تمام‌شده حکایت می‌کند. اصولاً غوغاسالاری‌های همین روزنامه‌نگاران بوده که همواره بر دلسوزی‌های محققان سایه می‌افکند تا فجایع بموقع بر آفتاب نیفتد فلذا اکنون دیگر ژست غیرتمداری ارزشی نخواهد داشت. در حقیقت اشارات هاشمی بر مفهوم امکان پیشرفت کشور بدون داشتن یال و کویال نظامی، دقیقاً برای به مرگ گرفتن است تا ملت به تب راضی شود. هاشمی است تا بدان وسیله بتواند رنانه هر توان سازماندهی رده‌می را در ایران پنهانور خرد کند. تفکر مزبور همانند رویبای غربی است که بدون توان نظامی نتواند تحقیرهای بین‌المللی را با ساخت بنز و دارو، درمان کند. او به هیچ وجه نمی‌خواهد در بطن منطقه‌ای که بر سر نفت آن هر روز ده‌ها انسان خدج می‌شوند، برای قلب تپنده خاورمیانه، عمل باز تجویز و اجرا کند.

FATF. ایزاری برای مهار قدرت ایران

# این غائله را پیش‌بینی کرده بودیم

- محمدمهدی بندرجی

پس امروز این تفکر همیشه حاکم در پی چیست؟ آیا حاضرم پوش‌های منطقه‌ای و تحولات علمی را به‌درستی تحلیل کنیم تا جواب این سوال را بدانیم؟ من که بعید می‌دانم چنین همتی در فعالان رسانه‌ای و سیاسی کلهم اجمعین باشم. دکتر «ابراهیم متقی» در همایش دیپلماسی هسته‌ای که در دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد، هم‌راستا با سایر اساتیدی که میانه‌چندانی با سیاست‌های «جلیلی» و «احمدی‌نژاد» نداشتند، سخن مهمی گفت و به‌رغم میل دانشجوین ۲ ستاره و ۳ ستاره حاضر در همایش، حقیقت امروز را پیش‌بینی کرد. اسناد دانشگاه تهران در بحق یکی از آمریکانشناس زبردست کشور ماست ضمن تبیین شواهدی مبنی بر اینکه ظریف دانشی در سیاست بین‌الملل ندارد، رفتار غربی‌ها را برخلاف رفتار غوغاسالار، ما دانست که به هم فحش می‌دهیم و به هم می‌پریم و بخوبی یادآور شد غربی‌ها رفتارشان کاملاً «حقوقی» و در عین حال «بسیار بی‌رحمانه» است. امروز با اجزای طلیعه FATF بخوبی آن بی‌رحمی حقوقی آشکار شده‌است. هاشمی و متولیان خودخوانده نظام و انقلاب البته از این بی‌رحمی بخوبی مطلعند و مقاومت را بهبوده می‌دانند همان‌طور که در تصویب قراردادهای الجزایر با امضای یک طرفه بهژاد نویی بر دیدگاه خویش صحه نهادند و تنها سودی که از واقعه لانه جاسوسی کسب کردند حذف و سر کوب تمام مخالفان خویش از صالح و طلاح بود. امروز هم اگر هیلاری کلینتون بیروز رقابت آمریکا شود- که ظاهراً هم می‌شود- فشارهای بی‌رحمانه تشدید می‌شود و کشور باید همان ۳ عنصر قدرت‌خیز حزبالله، توان موشکی و سپاه پاسداران را بدهد یا به نوع دیگری از حکومت تن دردهد. البته برای تفکر عملگرای هاشمی ساختار امنیتی لازم برای بقا در قدرت یک امر ضروری است تا بدان وسیله بتواند رنانه هر توان سازماندهی رده‌می را در ایران پنهانور خرد کند. تفکر مزبور راهی برای اصلاح اقتصاد و تدبیر امور مملکت جز پیوستن به آغوش نظم جهانی «World Order» نمی‌شناسد و می‌داند بدون آن ادامه اداره مملکت ناممکن است. وانگهی با به‌طور مبنیابی اعتقادی هم به آزادی به عنوان چتری بر فراز مؤلفه‌های دین‌داری،

درخت خشکیده قرار داشت پر از آب بود، به‌طوری‌که به‌راحتی می‌شد دست در آن فروبرد و بدون طناب مشک‌ها را پر نمود. نماز جماعت به امامت روحانی برقرار شد و پس از آن اعضای کاروان دور هم نشستند. مدیر می‌گفت: این مسافر خدمت بزرگی در حق ما روا داشته و شسترهایش را در بیابان رها کرده تا راه را به ما نشان دهد. بهتر است از محل صدقاتی که قرار است برای راهبای از این گرفتاری رد کنیم، وجهی معادل خرید یک شتر به او بدهیم که بتواند به محل کاروانش برگردد. روحانی حرف مدبر کاروان را تایید کرد و به سوی مسافر رفت که در گوشه‌ای دیگر به نماز مشغول بود. من هم دورامور او را تعقیب کردم. وقتی نماز مسافر پایان پذیرفت، گفت: آمده‌ام از شما سیاسگزاری کنم و بگویم ما قبل از اینکه شما به کمکمان بیایید با خدا قرار گذاشتیم و نذر کردیم اگر از این بند رها شدیم، همه اموال همراه خود را به نیازمندان بدهیم و حالا آمده‌ام تا وجه خرید یک شتر را تقدیم شما کنم. مسافر گفت: اول‌این نذر شما در این مکان جایز نیست. چون اگر همه دارایی‌های کاروان را ببخشید، خودتان درمانده و فقیر می‌شوید و نمی‌توانید به وطن‌تان برگردید، اما پیرامون پرداخت وجه یک نفر شتر به من باید بگویم گرفتن صدقه بر ما روا نیست. شما می‌توانید حساب اموال خود را نموده و پس از رسیدن به وطن معادل آن به مستمندان و نیازمندان کمک کنید. حالا دیگر شما به جای امن رسیدیداید و به‌راحتی می‌توانید به سفرتان ادامه دهید، من هم باید به سوی بروم تا به گرفتاران دیگر کمک کنم. وقتی روحانی سرش را بلند کرد با تعجب دید از مسافر خبری نیست. کمی اطراف را گشت اما اتکار قظه‌ای آبی بود که به شست‌زار کویر رفته یا پرند‌های در آسمان گم شده‌است. مثل کسی که از یک خواب طولانی بیدار شده باشد، فریاد زد: یا مهدی ادر کنی و خود را به کاروان رساند تا به آنها بگوید ساعت‌ها در کنار یار بودیم و او را درک نکردیم، حتی جماعتی را به او اقامه نکردیم و آنچنان غرق دنیای خود بودیم که معشوق را از آن خود گریزان‌دیم. کاروان که غرق شادی دنیای بازیافته بود دوباره غم به دل گرفت و نالید که قرآن قسم دهید. چون ما هر آنچه بتوانیم به دیگران یاری می‌رسانیم. مسافر شترها را در صحرا خواباند و از همه خواست سوار اتوبوس شوند! زوار که انرژی تازه‌ای پیدا کرده بودند، سوار شدند. راننده مسافر را در کنار خود نشاند و حرکت کرد. پس از چند ساعتی به تنگه رسیدیم. مسافر از راننده خواست نگه دارد تا از چاهی که در آنجاست آبی بنوشند، وضو بسانند، نماز بخوانند و مشک‌های خود را پر کنند. چاه آبی که در زیر یک

✽روزنامه‌نگار پیشکسوت

### رتخنامه ۳

### نامه تاریخی سیداحمد خمینی به آیت‌الله منتظری

اکنون تمام دوستان مخلص شما از جنابعالی می‌خواهند تا از مواضعتان که نتیجه القانات شیطانی بوده است عدول کنید. مسلم است که این کار شهامت می‌خواهد ولی خیر شما هم در این است که به اشتباهات خود اعتراف کنید که اعتراف به اشتباه خیلی بهتر از اصرار به گناه است. به آقا هادی گفتیم که امروزه افراد اهل تقلید و روحانیون، یا مقلد امام هستند یا مقلد غیرامام هستند. آنها که مقلد دیگر مراجع بزرگوار اسلامند با بودن امام حاضر نشدند از حضرت امام تقلید کنند چه رسد به شما. از طرفی دیگر، روشن است که اگر مرجعشان بعد از امام فوت کند طرز تفکرشان به‌گونه‌ای است که جذب افرادی غیر از شما می‌شوند و اگر قبل از امام مرجعشان فوت کند به عقیده من بسیاری از آنان مقلد امام نخواهند شد. آن دسته هم که مقلد امام بشوند مسلماً مقلد شما نمی‌شوند. اما مقلدین امام بر ۳ گونه‌اند: یا با شما دشمنند یا یا شما دوستند یا بی‌طرفند. آنها که مقلد امام هستند و با شما دشمنند، می‌دانید تعدادشان کم نیست، مساله شهید جاوید، مساله فدک، مساله مهدی هاشمی و از این قبیل مسائل که در مورد آنها حساسیت است کم نیست و درست روی همین زمینه بود که ما اصرار داشتیم آقای شیخ نعمت‌الله نجف‌آبادی (مؤلف کتاب شهید جاوید) در حسینیه جنابعالی مباحثه‌کنندو متأسفانه شما زیر بار نمی‌رفتید. حتی روحانیونی هستند که با انقلاب ننتنها میانه‌ای ندارند که مخالف هم هستند، ولی امام را قبول دارند چرا که معظم‌له را شخصی می‌دانند دارای ولایت محکم ولی با شما مخالف هستند چرا که - به غلط - شما را فردی می‌دانند ضدولایت. روحانیون اصفهان را در نظر آورید اصفهانی که شهر شمامست - ببینید چه تعداد از روحانیون سرشانستند که با شما میانه خوبی ندارند یا دشمنند. حال دشمنی بر سر چیست؟ و در شهرهای دیگر وضع چگونه است - که مسلماً بهتر از اصفهان نیست - بماند. این افراد بعد از امام که با شما دوست نمی‌شوند، بلکه حرارت پیدا می‌کنند و نقاط ضعف شما را بزرگ می‌کنند علناً با شما دشمنی خواهند کرد. آن وقت‌است که می‌گویند امام با لیب‌الربا هاد بود، آقای منتظری خوب، امام با متناقض بد بود، آقای منتظری خوب. امام چیه‌های اطلاعات را که جانشان را کف دستشان گذاشته‌اند سربازان امام زمان (علیه‌السلام) می‌دانست، آقای منتظری آنها را از ساواکی‌های شاه بدتر می‌دانست و مدرکشان نوشته‌های جنابعالی خواهد بود، چرا که امروز اطرافیان شما خواسته‌اند تا شما ژست آزادخواهی بگیرید. اما آنی که مقلد امام هستند و بی‌طرفند ممکن است بعد از امام بعضی از آنان از شما تقلید کنند ولی از آنجایی که بدون انگیزه هستند علی‌الظاهر بیشتر آنها از شما تقلید نمی‌کنند. آن گذشته، این عده اهل اینکه خود را به آب و آتش بزنند، نیستند و از آنجا که شما زمینه‌امام را ندارید و دشمن زیاد دارید، به محض احساس خطر از شما می‌یزند و روی این دسته هم نمی‌توانید سرمایه‌گذاری کنید چرا که شما اهل مبارزه‌اید و افرادی را می‌خواهید که اهل به آب و آتش زدن خود باشند و این افراد بیشتر جذب روحانیونی می‌شوند که به آنان القا کرده‌اند که با مقداری پول باغ بهشت را نمی‌توان خرید. جذب انتهایی می‌شوند که به قول خودشان هم دنیا را داشته باشند هم آخرت را، جذب روحانیونی می‌شوند که در نجف و قم بر سر امام آن آوردند که شرم از بازگو کردن آن دارم. جذب کسانی می‌شوند که با کمال پررویی و بی‌تقوایی شما را وهایی می‌دانند. اما آن دسته از مقلدین امام که دوستدار شمایند، بعد از امام یا از شما تقلید می‌کنند یا غیر شما و این از آنجا نشأت می‌گیرد که در زمان امام دوستی‌شان با شما یا به خاطر خدمت‌های ارزنده شما به اسلام و امام است یا به خاطر خودتان است. دوستداران امام که روحانیون خوب و مردم و طلبه‌های مخلص انقلابند و سختی‌ها و مرارت‌هاکشیده‌اند، نزدیک به تمام آنان هر گز حاضر نیستند امام و اهداف امام را رها کنند و شما را بگیرند، یعنی شما را «به‌خاطر امام» دوست دارند. مقصود این است که اگر روزی امام بفرمانند به شما کاری نداشته باشند این افراد دور شما نخواهند آمد، امام را رهبر انقلاب می‌دانند، با انقلاب او بزرگ شده‌اند و ارزش‌های متعالی را در او خلاصه می‌بینند و شما را هم به خاطر اینکه در خط امام هستید و امام را ترویج کرده‌اید و در راه انقلاب اسلامی، امام دهمه دیده‌اید، دوست دارند و اگر شما روی دوستی امام تا آخر تکیه می‌کردید آنها شما را هم قبول داشتند چرا که شما را بعد از امام مجتهدی می‌دانند که می‌شود در کنارتان اولخ که آمریکا و شوروی جنگید ولی اگر شما از امام فاصله بگیرید و حتی اگر امام روزی به شما اخص کنند، آنها‌نیز بی‌درنگ به‌شماختم می‌کنند و حاضر نیستند شمای بدون حسب امام را تحمل کنند.

ادامه دارد ...